

تَرَه

گاهنامه سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی

شماره سوم - مهر ماه ۱۳۹۸

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: نوید یوسف نیا

ایراد کار علوم انسانی اسلامی کجاست؟

علوم انسانی اسلامی دارای تعاریف متعدد است. و به لطف و اهتمام از ابتدای انقلاب و گسترش موسسات پژوهشی متعدد در خصوص علوم انسانی اسلامی شاهد رشد کمی چشمگیر پژوهشات موجود در این حوزه بوده ایم. شاهد این مسئله آمار ۲۴ هزار مقاله ثبت شده در سال ۹۱ در پایگاه استنادی جهان اسلام است. به گونه ای که ۲۹ درصد مقالات این پایگاه فارسی و ۳۶ درصد از این مقالات در خصوص علوم انسانی است. این آمار ما را در رتبه نخست در بین کشورهای اسلامی قرار داده است. (این در حالی است که آمار مقالات تولیدی صرفاً علوم انسانی در برخی موارد از بعضی از کشورهای همسایه پایین تر است). اما در جنبه کیفی بررسی تاریخچه علوم انسانی اسلامی پس از انقلاب نشان دهنده این است که علیرغم تشکیل نهادهای موثر بسیار و تلاش های صورت گرفته نتایج ریشه ای نبوده است و انتظارات را برآورده نکرده است. و نهایتاً شاهد ضعفی جدی در پژوهش از منظر کاربردی بودن آنها هستیم.

اما مانع اصلی این مشکلات در کجاست؟

موانع پیش روی تولید علوم انسانی اسلامی را می توان در سه صد طبقه بندی کرد.

اول سطح شناختی و محتوایی خود علوم انسانی اسلامی

دوم سطح افراد و موسسات درگیر در حوزه پژوهش های علوم انسانی اسلامی

سوم سطح ساختارها و متد های پژوهشی به کاررفته در راستای اسلامی سازی علوم انسانی

ایراد در هر کدام از این سطوح پلکانی باعث اختلال در روند تولید علوم انسانی اسلامی خواهد بود. بنابراین از نظر سطح تاثیر اولین و مهم ترین سطح از منابع سطح محتوایی و شناختی خود علوم انسانی اسلامی خواهد بود، این سطح دارای دو بعد نظری و عملی قابل بررسی است که با هم به آن ها نگاهی می اندازیم.

امکان تولید علوم انسانی اسلامی در بعد نظری و تئوریک مورد تایید و چندان قابل بحث به نظر نمی رسد. زیرا که با وجود پذیرش پیش فرض ها این حوزه در صورت شناخت صحیح دین حقیقی و در دسترس بودن علم راستین این دو منطقاً بدون تعارض خواهند بود.

اما هنگامی که امکان تولید علوم انسانی را در بعد عملی بررسی کنیم با چالش هایی روبرو هستیم. اولین چالش این است که شناخت محتوا و قالب اسلام از طریق قرائت های مختلف آن صورت می پذیرد. بدین گونه که هیچ کدام است افراد جامعه نمی تواند ادعای شناخت ماهیت و حقیقت ذاتی دین را به طور مستقیم داشته باشد. دومین احتیاط عملی در خصوص تقدس امور دینی است که در صورت وجود تعارضات پیچیدگی هایی را در خصوص تشخیص ارجحیت به وجود خواهد آورد.

در واقع در بعد عملی به دلیل تقدس حقیقت ذاتی دین ، این حرمت و قداست به قرائت های موجود از آن نیز راه می یابد. لذا فعالین و محققین این عرصه با گرفتاری در تله سوگیری با احتیاط از اینکه نتایج تجربی با باورهای دینی به تعارض نرسد به کلی گویی و احذار از ورود به عرصه های کاربردی مایل خواهند شد.

حتی اگر این جرأت در فعالین و محقق بوجود آید ، پیچیدگی های اساسی ای در مسئله آمیختن علم و دین در سطح عملی به وجود خواهد آمد. هنگام وجود تعارض و نیاز به داوری در خصوص ترجیح بین علم و دین ، اگر محقق یافته های تجربی علم را بپذیرد و آن را بر دین ارجحیت بخشد؛ به دلیل یقینی نبودن یافته های علمی دچار خطا شده است. و از سوی دیگر در صورت ترجیح قرائت از دین بر علم به دلیل وجود تعارض با نتایج حاصل از تجربه هویت دین را به امری متعارض بدل ساخته

لذا بنظر نگارنده مانع اساسی پیشبرد این پروسه در بحث های محتوایی و شناختی این علوم نهفته است. که به همین دلیل باید گفت با وجود تمام تلاش ها ” گویند بجوی تا بیابی ، می جویم و بخت یاورم نیست“ حکایت ما و علوم انسانی اسلامیست.

آشنایی با شفافیت قضایی

شفافیت **transparency** به عنوان یکی از قواعد پایه ای جامعه و حکومت دموکراتیک شناخته می شود و از شاخصه های اصلی حکمرانی خوب (**good governance**) است. اساساً بصورت ایده آل شهروندان باید تا بیشترین حالت برای حاکمیت پنهان و حکومت باید تا بیشترین حالت برای شهروندان آشکار باشد. در تعریف شفافیت سازوکاری است که می بایست از نحوه حکومت داری و ریاست و مدیریت دستگاه حکومتی حاصل شود، که به شهروندان اجازه کنترل و مشارکت (در سطوح مختلف بطور مثال در آرژانتین حتی در انتخاب قضات به چشم می خورد) در آن مسائل را بصورت عمومی می دهد. قابل دسترس بودن اطلاعاتی که از عناصر شفافیت است که توسط قواعد و اقدامات فعالانه ای که دستگاه ها در جهت علنی سازی اطلاعات مرتبط انجام می دهند مشخص می شود.

دستگاه قضایی یکی از سه قوه اصلی نظریات حکمرانی دموکراتیک است. جدا بودن قوا از یکدیگر و سیستم های نظارتی متقابل و متوازن از قواعد اساسی دموکراسی مدرن محسوب می شود که در این بین قوه قضاییه نقش بسیار ویژه ای در ساختار حاکمیت دارد. جهت حفظ استقلال این قوه که نقش مهمی در ایفای مسئولیت عادلانه و داورانه آن دارد نمی تواند توسط قوای دیگر کنترل بشود. البته این به این معنا نیست که عملکرد دادگاه باید بدون هرگونه کنترل یا با خودکامگی قانونی باشد. در اینجاست که شفاف بودن فعالیت های دادگاه آن را مثل سایر رقبایش قابل کنترل و دسترسی قرار می دهد و نظارت بر آن از مسیر وجدان و افکار عمومی اتفاق می افتد.

از همین روست که در قانون اساسی با تاثیر پذیری از مبانی حق نظارت وجدان عمومی بر دستگاه قضایی اصل دادرسی علنی را به عنوان یکی از اصول دادرسی عادلانه مورد پذیرش قرار داده (اصل ۱۵۶ ق.ا.) و غیر علنی بودن دادگاه ها در قوانین کشور امری استثنایی (مانند پرونده های منافی عفت) و محدود به موارد مصرح در قانون دانسته شده. (ماده ۳۵۲ آیین دادرسی کیفری)

حق دادرسی عادلانه شامل اشاره به شفافیت دادگاه علنی توسط مهمترین سند حقوقی اخلاقی حقوق بشر (ماده ۱۰ منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد) مورد تاکید قرار گرفته است. همچنین حق برخورداری از امکان شنیده شدن علنی اظهارات **public hearing** توسط کنوانسیون حقوق بشر اروپا از عناصر اصلی دادرسی عادلانه شمارش شده است. (ماده ۶-۱)

حق نظارت وجدان عمومی و دستگاه قضایی عنصر کلیدی متضمن کارکرد صحیح حکمرانی مردمسالار و دموکراتیک و حق دادرسی عادلانه است.

- شفافیت قضایی

شفافیت قضایی در دو گستره اصلی شفافیت روندهای قضایی و شفافیت سازمانی را شامل می شود. شفافیت سازمانی شامل مواردی نظیر روندهای نصب قضات، بودجه دستگاه و غیره است. و همچنین در شفافیت روندهای قضایی اصلی ترین عنصر دادگاه های علنی است.

علنی بودن دادگاه ها در اساس به معنای امکان حضور افراد در روند بررسی پرونده است که البته امروزه با پیشرفت تکنولوژی میتوان این شفافیت را به بیرون از ساختمان های دادگاه ها نیز گسترش داد به طور مثال دادگاه ها در کشورهای مختلف از وبسایت های خود جهت مطلع کردن عموم و انتشار اطلاعات و فکت شیت استفاده می کنند. در این میان رسانه ها می توانند نقش ویژه ای را به عنوان رکن چهارم دموکراسی ایفا کنند.

شفافیت اطلاعات قضایی و امکان اطلاع رسانی عمومی فواید متعددی را متوجه جامعه و دستگاه قضایی خواهد کرد؛ از جمله تحقق هر چه بیشتر حق دسترسی آزاد به اطلاعات که در افزایش مشارکت اجتماعی در اداره جامعه امری ضروری است. تحقق امکان دسترسی آزاد به اطلاعات بوسیله وضع قوانین به دو طریق نشر فعالانه برخی اطلاعات از طریق دستگاه و ایجاد امکان دسترسی به برخی دیگر از اطلاعات لازم که به صورت خودکار منتشر نمی شوند امکان پذیر است.

همچنین علنی سازی و اطلاع رسانی اطلاعات روزهای قضایی متضمن و ایجاد کننده استقلال بهتر و کاراتر قضات خواهد بود. خصوصاً در مداخلات یا فشارهای دستگاه های اجرایی یا گروه های سیاسی یا سایر قدرت ها از امکان فساد یا هر گونه انحراف پرونده خواهد داشت.

از سویی دیگر اقدامات فعالانه در جهت علنی سازی و اطلاع رسانی عمومی اطلاعات روندهای قضایی سبب افزایش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی حاکمیت می شود و همچنین هزینه ارتکاب جرم را بالا خواهد برد.

- انتقاد هایی علیه شفافیت

در مقابل استدلالهای معطوف به فواید شفافیت موارد از استدلال علیه شفافیت نیز وجود دارد. از مخاطراتی که با شفافیت قضایی و اطلاع رسانی عمومی ممکن است به وجود آید می توان به کاهش سرعت بررسی در برخی پرونده ها اشاره کرد. که البته پاسخ آن در حجم منافع کلی حاصل از این پروسه تا حدودی مرتفع می گردد.

یکی دیگر از نگرانی های تیزبینانه احتمال پیروی دادگاه از افکار عمومی و خدشه به استقلال رای تصمیم گیرنده قانونی است. البته با خود شفافیت بیشتر و ایجاد آشنایی و درک بیشتر در مردم با ساز و کار و قوانین قضایی و اختیارات و محدودیت های آن بخشی از این مشکل قابل بهبود خواهد بود. و اما در موارد ویژه ای می توان به ابزار های تعریف شده ای نظیر علنی سازی اطلاعات پس از صدور حکم نهایی نیز رجوع کرد و همچنان شفافیت را تامین نمود.

با وجود روشن بودن لزوم شفافیت اما باید توجه کرد که شفافیت در تعریف به معنای در دسترس قرار گرفتن آنچه باید است و نمیتواند لزوماً به معنای در دسترس قرار گرفتن همه اطلاعات باشد. به طور مثال بخشی از اطلاعات موجود در دادگاه می تواند شامل حریم خصوصی محکوم و شاکی یا در مثال های اقتصادی از اطلاعات کسب و کاری اختصاصی شرکت ها باشد.

از همین رو در راستای حمایت از حریم خصوصی در ماده ۳۵۳ آیین دادرسی کیفری برخی اطلاعات نظیر مشخصات فردی به عنوان محدودیت های اطلاع رسانی عمومی اطلاعات پرونده های دادرسی علنی مشخص شده است. (البته در تبصره دو همین ماده در مواردی از قبیل خدشه دار شدن وجدان جمعی یا جهت حفظ نظم عمومی جامعه به قید ضرورت اطلاع رسانی بدون محدودیت امکان پذیر خواهد بود.)